

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟*

ایرج فیضی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷)

چکیده

در سالهای اخیر موضوع نارضایتی جنسی بسیار مورد توجه قرار گرفته و بر شیوع بالای آن در بین زوجین و همچنین تاثیر آن بر بیشتر طلاق‌ها تاکید شده است. پرسش اصلی این پژوهش این است که میزان شیوع نارضایتی جنسی در بین زوجین چقدر است و نارضایتی جنسی چه تاثیری بر زندگی و جدایی زوجین دارد؟ این پژوهش با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده انجام شده است. جامعه آماری شامل افراد متاهل یا بی همسر بر اثر طلاق در شهرهای کشور و حجم نمونه ۲۸۵۰ نفر بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نارضایتی جنسی در بین زوجین حدود ۹ درصد است و تاثیر تعیین کننده و قابل توجهی بر وقوع طلاق ندارد؛ بطوریکه تنها ۱۰ درصد از افرادی که نارضایتی جنسی دارند احتمال جدایی از همسرشان را زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین تنها حدود ۴ درصد از زوجین اختلافات جنسی خود را با همسرشان خیلی زیاد و حدود ۱۰ درصد آن را زیاد اعلام کرده‌اند. بررسی عوامل طلاق در بین افراد بی همسر بر اثر طلاق نیز نشان می‌دهد عواملی مانند اعتیاد، دخالت خانواده‌ها، نداشتن علاقه و عدم وفاداری عوامل مهمتری بوده‌اند و مسائل جنسی صرفاً علت ۱.۳ درصد از طلاق‌ها بوده است. بنابراین در مجموع، نارضایتی جنسی نه مسئله شایعی در بین زوجین است و نه عامل تعیین کننده‌ای در گرایش به طلاق در کشور.

واژه‌های کلیدی: نارضایتی جنسی، طلاق، رضایت از همسر، اختلافات بین زوجین، رضایت جنسی، عوامل طلاق

* مقاله علمی - پژوهشی

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2024.559355.1712>

۱ - این پژوهش با استفاده از داده‌های پیمایش ملی خانواده انجام شده است. پیمایش مذکور توسط جهاد دانشگاهی و با حمایت سازمان برنامه و بودجه کشور و چند دستگاه اجرایی دیگر در سال ۱۳۹۷ اجرا شد.

۲ استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی feizi@acecr.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۰۵ - ۸۱

مقدمه و بیان مسئله

در سالهای اخیر مسائل جنسی و تحولات آن در کشور مورد توجه قرار گرفته و مباحثی نظیر افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۵؛ آزادارمکی و شریفی ساعی، ۱۳۹۰)، گسترش همخانگی و پیش بینی رشد بیشتر آن در آینده (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱)، شکل گیری نگرش‌های آنومیک، ارزشهای جدید و الگوهای نوین رفتارهای جنسی (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۰)، گسترش نگران کننده رفتارها و روابط جنسی نامشروع، کاهش سن روسپیگری (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳) شدت و گستردگی آسیب‌های جنسی (از جمله پایین آمدن سن بلوغ جنسی، تنوع‌طلبی‌های جنسی، خیانت زوجین به یکدیگر و مسلط شدن نگاه جنسی در جامعه) (نوربخش، ۱۳۹۶)، و نتیجه‌گیری‌هایی نظیر وقوع بحران جنسی، انقلاب جنسی و آسیب‌های جنسی را به دنبال داشته است. در همین راستا پیامدهای این تحولات بر خانواده و بطور خاص بر مسئله طلاق نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در بین علت‌های مختلفی که برای طلاق ذکر شده، تاکید زیاد و متمایزی بر «نارضایتی جنسی» شده است؛ به طوری که هم بر شیوع بالای ۶۰ تا ۷۰ درصدی نارضایتی جنسی در بین زوجین تاکید شده (فروتن و جدید میلانی، ۱۳۸۷؛ سیاری، ۱۳۹۴؛ مهاجری، ۱۳۹۶) و هم بر تاثیر قاطع این نارضایتی بر وقوع حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد از طلاق‌ها (غدیری و فروتن، ۱۳۸۷: ۵۸۹؛ تهرانی، ۱۳۸۹؛ اسلامی، ۱۳۹۴).

پشتوانه ادعاهای فوق (هم در خصوص میزان نارضایتی جنسی در بین زوجین و هم در خصوص تاثیر این نارضایتی بر طلاق) پژوهش‌های کوچک با جامعه آماری محدود و در مواردی هم تجربه‌های کلینیکی افراد در مقام مشاور بوده است. حال آنکه وقتی از تحولات «جامعه» و بویژه هنگامی که درصد و میزان‌های مشخص بیان می‌شود، لزوماً باید با استناد به پژوهش‌های معتبر و با ملاحظات روش‌شناختی دقیق و بویژه از داده‌های «ملی» استفاده شود. در پژوهش حاضر تلاش شده با ادعاهای فوق بر اساس نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی و با استناد به داده‌های پیمایش ملی خانواده مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد و به این سوالات پاسخ داده شود: نارضایتی جنسی در بین زوجین ایرانی به چه میزان است؟ نارضایتی جنسی چه تاثیری بر زندگی مشترک و گرایش زوجین ایرانی به طلاق دارد؟ آیا نارضایتی جنسی آن چنان که ادعا شده تاثیری قاطع بر طلاق دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متنوعی در این بخش صورت گرفته است؛ برخی از پژوهش‌ها متمرکز بر متقاضیان طلاق است، برخی از آنها مراجعین کلینیک‌ها و مراکز مشاوره را بررسی کرده‌اند، پژوهش‌هایی هم جمعیت‌های وسیع را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در یک مورد یافته‌های یک فراتحلیل و در نهایت نتایج یک مطالعه انسان‌شناسی از تفاوت‌های سبک زندگی جنسی در دو گروه از قبایل (با میزان رابطه جنسی بسیار زیاد و بسیار کم) ارائه شده است. بنظر می‌رسد نتایج این مقایسه و مطالعه انسان شناختی موید اولویت فرهنگ بر غریزه است.

نتایج پژوهش فروتن و جدید میلانی (۱۳۸۷) در بین متقاضیان طلاق نشان داد رضایت از زندگی جنسی در بین مردان ۳۱.۶ و در بین زنان ۳۳.۳ درصد بوده است. عملکرد جنسی ۷۱.۲ درصد از مردان در حد خوب، ۲۳.۱ درصد در حد متوسط و ۵.۸ درصد در حد ضعیف بودند. عملکرد جنسی در بین زنان ۲۶ درصد در حد خوب، ۵۶.۲ درصد در حد متوسط و ۱۷.۸ درصد در حد ضعیف بوده است.

بر اساس پژوهش باستانی و همکاران (۱۳۸۹) شرایط علی تأثیرگذار در طلاق عاطفی شامل عدم تأمین نیازهای عاطفی، بی‌توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، انتخاب نادرست همسر، عدم همدلی و همراهی، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم گذران وقت با یکدیگر، نارضایتی جنسی، بی‌اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مرد و عدم تعادل روحی مرد است.

توکل و همکاران (۱۳۹۰) رضایت جنسی و عملکرد جنسی را در بین زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی بررسی کردند. میانگین رضایت جنسی در بین افراد مورد مطالعه ۷۷.۵ در بازه ۲۱ تا ۱۰۵ بوده است. از نظر عملکرد جنسی نتایج این پژوهش نشان داده که طی یک ماه اخیر اکثر پاسخگویان (۷۶.۳ درصد) یک بار یا بیشتر در هفته نزدیکی داشتند.

مطابق با نتایج پژوهش رحمانی و همکاران (۱۳۹۰) رضایت جنسی اکثر پاسخگویان بالا بود (۶۳ درصد زیاد و ۲۹ درصد متوسط). نتایج مقیاس رضایت از زندگی زناشویی نشان می‌دهد ۹۶.۶ درصد دارای رضایت در حد زیاد، ۳.۴ درصد رضایت متوسط و هیچکدام از پاسخگویان رضایت کم را نشان نداده‌اند.

نتایج پژوهش پروین و همکاران (۱۳۹۱) حاکی از آن است که طلاق عاطفی در ۵۷.۲ درصد از خانواده‌های تهرانی در حد پایین، ۳۶.۳ درصد در حد متوسط و تنها ۶.۵ درصد در حد بالا بوده است. رضایت جنسی زوجین رابطه معنی‌داری با طلاق عاطفی نداشت.

در پژوهش قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲) که در بین زوجین متقاضی طلاق توافقی انجام شده، مهمترین دلایل تقاضای طلاق بدین ترتیب بوده است: دخالت اطرافیان (۱۲.۵ درصد)، ضرب و شتم (۱۰.۳ درصد)، دروغ‌گویی (۹.۲ درصد)، سوءظن و بدبینی (۸.۱ درصد)، اعتیاد (۶.۲ درصد)، بی‌توجهی (۵.۷ درصد)، تنفر و نداشتن علاقه (۳.۵ درصد) و خیانت (۳.۵ درصد). تنها ۱.۴ درصد پاسخگویان نارضایتی جنسی را به عنوان دلیل تقاضای طلاق ذکر کرده‌اند.

مشفق (۱۳۹۵) در پژوهشی با روش فراتحلیل اندازه اثر عوامل مختلف موثر بر طلاق را در تحقیقات سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴ (۶۰ مقاله و پایان‌نامه) محاسبه کرده است. نتایج این محاسبه نشان می‌دهد «شکل توزیع قدرت بین زن و شوهر با اندازه اثر ۰.۸۰، دخالت اطرافیان با اندازه اثر ۰.۷۱۳، رفتارهای خشونت‌آمیز با اندازه اثر ۰.۶۵۵، مهارت‌های ارتباطی با اندازه اثر ۰.۶۲، اعتیاد با اندازه اثر ۰.۵۸، به عنوان پنج عامل اصلی گرایش به طلاق شناخته شده‌اند.

میانگین رضایت جنسی زنان در پژوهش سلطانی و همکاران (۲۰۱۷) در بازه ۰-۱۵۰ برابر با ۷۵.۴ بود.

نتایج پژوهش لیتزینگر^۱ و گوردون^۲ (۲۰۰۵) نشان داد رضایت جنسی در زوجینی که دارای ارتباط قوی هستند تأثیری بر رضایت زناشویی ندارد اما در گروهی که ارتباط ضعیف است رضایت جنسی تأثیر معناداری بر رضایت زناشویی دارد.

نتایج پیمایش جهانی نگرش‌ها و رفتارهای جنسی (لومان و همکاران، ۲۰۰۵) نشان داد تنها ۱۱.۹ درصد از پاسخگویان اروپای شمالی (شامل اتریش، بلژیک، آلمان، سوئد و انگلیس) رابطه جنسی خود را لذتبخش ندانسته‌اند (کمترین میزان در بین همه کشورها). این درصد در کشورهای خاورمیانه (شامل الجزایر، مصر، مراکش و ترکیه) ۲۱.۳ درصد بوده است.

نتایج ۵ موج پژوهش طولی یه^۳ و همکاران (۲۰۰۶) در طی ۱۱ سال نشان داد رضایت جنسی بطور مستقیم بر بی‌ثباتی زناشویی تأثیر معنی‌دار ندارد.

¹ Litzinger

² Gordon

³ Yeh

نتایج پژوهش سیدی^۱ و همکاران (۲۰۰۷) در یک کلینیک سلامت در شهر کوالالمپور نشان داد تنها ۱۰ درصد از زنان کمتر از یک بار در ماه رابطه جنسی داشتند و ۵۲.۲ درصد آنها از روابط جنسی خود نارضایتی داشتند. نژاد، میزان حقوق، سطح تحصیلات، مشکلات پزشکی، اختلال قاعدگی با نارضایتی جنسی ارتباطی نداشتند. مهمترین عامل خطر سن همسر بود.

نتایج پژوهش هاوکینز^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در بین زنان و مردان دارای تجربه طلاق نشان داد مهمترین دلایل طلاق عبارت بودند از: فاصله گرفتن^۳ (۵۵ درصد)، عدم توانایی صحبت با یکدیگر (۵۳ درصد)، نحوه برخورد همسر با پول (۴۰ درصد)، خیانت (۳۷ درصد)، مشکلات شخصی همسر (۳۷ درصد)، عدم توجه کافی (۳۴ درصد)، عادات شخصی همسر (۲۹ درصد)، مشکلات جنسی (۲۴ درصد)، تفاوت در سلیقه ها و ترجیحات (۲۳ درصد)، مشکلات مربوط به مواد مخدر و الکل (۲۲ درصد)، نحوه تقسیم وظایف خانه (۲۱ درصد)، اختلاف بر سر تربیت فرزندان (۲۰ درصد)، مشکلات خانوادگی (۱۸ درصد)، فعالیتهای فراغتی همسر (۱۸ درصد)، نحوه تقسیم وظایف مراقبت از کودک (۱۷ درصد)، خشونت فیزیکی (۱۳ درصد)، دوستان همسر (۱۱ درصد)، ساعات زیاد کار همسر (۹ درصد)، تفاوت‌های دینی (۹ درصد).

مطابق با نتایج پژوهش اسکات^۴ و همکاران (۲۰۱۳) شایع‌ترین عوامل طلاق از نظر افراد مطلقه در ایالات متحد عبارت بودند از فقدان تعهد^۵ (۷۵ درصد)، خیانت^۶ (۵۹.۶ درصد)، و تعارض/مشاجره^۷ (۵۷.۷ درصد). سایر عوامل به ترتیب عبارت بودند از ازدواج در سن پایین (۴۵.۱)، مشکلات مالی (۳۶.۷ درصد)، سوء مصرف مواد (۳۴.۶)، خشونت خانگی (۲۳.۵ درصد)، مشکلات سلامتی (۱۸.۲ درصد)، فقدان حمایت از طرف خانواده (۱۷.۳ درصد)، تفاوت‌های دینی (۱۳.۳ درصد) و فقدان یا نبودن آموزش‌های پیش از ازدواج (۱۳.۳ درصد).

کارل هایدر^۸ انسان‌شناس مطالعه‌ای در خصوص روابط جنسی قبیله دنی^۹ در گینه نو انجام داد. مردم این قبیله پس از زایمان یک تابو را به مدت شش سال در رابطه جنسی اعمال می‌کنند

¹ Sidi

² Hawkins

³ growing apart

⁴ Scott

⁵ lack of commitment

⁶ infidelity

⁷ conflict/arguing

⁸ Karl Heider

⁹ Dani

(یعنی مقاربت برای مدت معینی پس از تولد کودک ممنوع است). هایدنر هیچ شواهد و مدرکی پیدا نکرد که نشان دهد دنی‌ها تعلیق روابط زناشویی را با انجام روابط خارج از ازدواج، روابط همجنس‌گرا یا خودارضایی جبران می‌کنند. آنها همچنین هیچ علائم استرس یا ناراحتی را نشان نمی‌دادند و مورد سوال قرار دادن این حوزه از زندگی‌شان آنها را متحیر می‌کرد. دوره‌های طولانی مجرد برای دنی‌ها عادی و طبیعی به نظر می‌رسد. در مقابل، آراندا^۱ استرالیا، عشق‌ورزی، خوابیدن، سپس عشق‌ورزی دوباره، سه تا پنج بار در شب را طبیعی می‌داند (گلیز و لوین، ۱۹۹۵: ۸۱).

در سالهای اخیر پدیده زوج‌های بدون رابطه جنسی^۲ یکی از پدیده‌های رایج و به سرعت در حال گسترش در ژاپن کنونی است (پچر^۳، ۲۰۲۲: ۱). اصطلاح زوج‌های بدون رابطه جنسی به زوج‌هایی اطلاق می‌شود که بدون هیچ شرایط خاصی، بیش از یک ماه یا حتی دوره‌های طولانی‌تر به مقاربت جنسی رضایت‌بخش یا تماس جنسی (از جمله بوسیدن، در آغوش گرفتن و برهنه دراز کشیدن روی تخت) نمی‌پردازند. نرخ زوج‌های متاهل بدون رابطه جنسی در سال ۲۰۰۱ در ژاپن ۲۸ درصد بود که به ۴۷.۲ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۵۱.۹ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش پیدا کرد. با این حال ۵۹.۱ درصد از این افراد گزارش کرده‌اند که نمی‌خواهند زندگی بدون رابطه جنسی خود را بهبود دهند. آنها از نداشتن زندگی جنسی در روابط (ازدواج) خود احساس رضایت می‌کنند. از نکات قابل توجه در برخی از پژوهش‌های موجود، اثرگذاری پایین یا فقدان اثرگذاری نارضایتی جنسی بر وقوع طلاق است. برآوردهای بسیار متفاوت از میزان نارضایتی جنسی در پژوهش‌های مورد بررسی هم قابل توجه است. علت تفاوت این برآوردها، تفاوت در جامعه آماری و شرایط اجرای پژوهش بوده است؛ در پژوهش‌هایی که در بین متقاضیان طلاق یا در بین مراجعه‌کنندگان به کلینیک‌ها و مراکز مشاوره انجام شده، برآورد نارضایتی جنسی بالاتر است اما در پژوهش‌هایی که در جمعیت‌های عمومی و در بین مردم عادی اجرا شده، برآورد نرخ نارضایتی جنسی به مراتب پایین‌تر است.

وجه تمایز پژوهش حاضر، ملی بودن اطلاعات آن و قابلیت تعمیم آن به جامعه شهری کشور است. همچنین در این پژوهش موضوع مورد مطالعه در گروه‌های مختلف (گروه دارای تجربه

¹ Aranda

² Sexless couples

³ Pacher

طلاق، گروه در آستانه طلاق یا دارای احتمال بالا برای اقدام به جدایی و طلاق، گروه دارای ثبات زناشویی) مورد بررسی قرار گرفته است.

چارچوب نظری

برای تبیین تاثیر رضایت جنسی بر طلاق چند دیدگاه وجود دارد. در یک دیدگاه نارضایتی جنسی عامل قطعی و تعیین کننده طلاق است. این رویکرد تقلیل گرایانه که تا حد یک تبیین تک علتی تقلیل پیدا می کند متاثر از برساخت مسئله جنسی توسط پزشکان و روانشناسان و همچنین جریان پزشکی شدن^۱ مسائل اجتماعی است. این دیدگاه تحقیقات علوم زیستی را هم به خدمت می گیرد. علوم زیستی مدل های عصبی غدد درون ریز^۲ را بررسی می کند. این مدل ها مکانیسم های عصبی شیمیایی را بررسی می کند که به شکلگیری پیوندهای اجتماعی کمک می کند. به عنوان مثال، مواد شیمیایی عصبی مانند اکسی توسین^۳ و وازوپرسین^۴ در طول فعالیت جنسی، آزاد می شوند و ممکن است به افزایش دلبستگی اجتماعی کمک کند (یابیکو^۵ و گیگر^۶، ۲۰۰۹).

در مقابل تبیین تقلیل گرایانه و پذیرش نقش و تعیین کنندگی منحصر به فرد رضایت جنسی در ناپایداری زناشویی و وقوع طلاق، تبیین دیگر رابطه رضایت جنسی با طلاق را کاذب می داند. مطابق این استدلال هنگامی که در روابط زوجین مشکلات ارتباطی و غیرجنسی بروز پیدا می کند، این مسائل بطور طبیعی همراه می شود با کاهش رابطه و رضایت جنسی. به عنوان مثال مشکلی مانند اعتیاد هم باعث کاهش رابطه و رضایت جنسی و هم باعث طلاق و جدایی می شود. در این مثال ممکن است جدایی و طلاق ناشی از کاهش رابطه و رضایت جنسی تلقی شود حال آنکه علت هر دو مسئله، اعتیاد بوده است. بر اساس این دیدگاه همواره در بررسی رابطه رضایت جنسی و طلاق باید مراقبت روابط کاذب بین متغیرها بود (یابیکو^۷ و گیگر^۸، ۲۰۰۹).

در نهایت رویکرد چندعلتی و اجتماعی- فرهنگی که رویکرد غالب در علوم اجتماعی و جامعه شناسی است، بر ارجحیت عوامل و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی (اجتماعی شدن، تعریف و تفسیر

¹ medicalization

² neuroendocrine

³ oxytocin

⁴ vasopressin

⁵ Yabiku

⁶ Gager

⁷ Yabiku

⁸ Gager

افراد از موقعیت و ... بر عوامل زیستی و غریزی تاکید می‌شود. از این دیدگاه، «دلایل چندانی برای اثبات اینکه وراثت ژنتیکی شکل‌های پیچیده فعالیت انسان را کنترل می‌کند پیدا نشده است. بدین سان، اندیشه‌های زیست‌شناسان اجتماعی درباره زندگی اجتماعی انسان در نهایت چیزی بیش از تاملات نظری نیست. بدیهی است رفتار ما از عوامل ژنتیکی تاثیر می‌پذیرد؛ اما استعداد ژنتیکی ما، به عنوان اعضای نوع انسان، احتمالاً فقط امکانات و حدود عمل ما را محدود می‌کند، نه محتوای واقعی آنچه را که انجام می‌دهیم» (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۱). مطابق با این رویکرد چندعلتی، طلاق عوامل مختلفی دارد که رضایت و رابطه جنسی می‌تواند یکی از این عوامل باشد و میزان تاثیرگذاری آن تابع شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

نظریه مبادله اجتماعی^۱ به عنوان یکی از نظریه‌های جامعه‌شناسی فرض می‌کند که در یک تعامل معین، هر فرد هزینه‌ها و مزایای رفتارهای بین فردی مختلف را می‌سنجد. لوینگر^۲ بر اساس این نظریه یک گونه‌شناسی سه دسته‌ای از عوامل تاثیرگذار بر تعامل جنسی ارائه کرد: (الف) جاذبه‌های رابطه، (ب) موانع برای پایان دادن به رابطه، و (ج) در دسترس بودن جایگزین‌های جذاب. جذب شدن یک فرد به رابطه به طور مثبت با پاداش‌ها و به طور معکوس با هزینه‌های ادراک شده مرتبط است. پاداش‌ها به عنوان نتایج مثبت ناشی از رابطه از جمله عشق، رابطه جنسی، پول، موقعیت، حمایت و امنیت تعریف می‌شود. هزینه‌ها ممکن است شامل زمان، انرژی یا سایر مخارج مرتبط با مطالبات رابطه باشد. بر اساس این دیدگاه زوجین به طور مداوم پاداش‌ها و هزینه‌های رابطه خود را می‌سنجند، و زمانی که هزینه‌های درک شده بیشتر از پاداش‌های درک شده باشد، ممکن است جدایی و طلاق اتفاق بیفتد. (یابیکو^۳ و گیگر^۴، ۲۰۰۹: ۹۸۵). بر این اساس تصمیم به جدایی و طلاق نه صرفاً تحت تاثیر یک عامل زیستی و جنسی بلکه نتیجه عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و محاسبه افراد از اهمیت آن هاست. تقلیل تبیین طلاق با امر جنسی نادیده گرفتن مسائل متعدد دیگری (نظیر مشکلات ارتباطی، خشونت، عدم تعهد، اعتیاد و...) است که در پژوهش‌های مختلف تاثیرات آنها تایید شده است. بر این اساس رضایت جنسی تنها یکی از عوامل محتمل گرایش به طلاق است که میزان تاثیر آن نه از قبل تعیین شده بلکه

¹ social exchange theory

² Levinger

³ Yabiku

⁴ Gager

امری متغیر است که باید مورد پژوهش قرار گیرد و پژوهش حاضر در این چارچوب تلاش دارد این نقش را آشکار سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی و از نوع تحلیل ثانویه و مبتنی بر داده‌های پیمایش ملی خانواده (فیضی و ابراهیمی، ۱۳۹۷) است.

جامعه آماری این طرح، مجموع افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای معمولی ساکن در مناطق شهری کل کشور در سال ۱۳۹۷ است و از روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای^۱ استفاده شده است. در این روش ابتدا ۸۳۴ بلوک از بلوک‌های شهری کشور به روش نمونه‌گیری با احتمال متناسب با اندازه^۲ انتخاب شدند. در مرحله بعد، در هر یک از این بلوک‌ها، با استفاده از فهرست‌برداری از مکان‌ها و خانوارها و نمونه‌گیری سیستماتیک خطی (با مبداء نمونه‌گیری ۵ و فاصله نمونه‌گیری ۱۰) پاسخگویان انتخاب شدند.

حجم نمونه ۵۰۳۶ نفر بوده که ۴۰.۳ درصد آن (۲۰۲۹ نفر) مجرد و ۳.۱ درصد (۱۵۷ نفر) بی همسر بر اثر فوت بوده‌اند. این دو گروه چون ارتباطی با موضوع مورد بررسی ندارند از داده‌ها حذف شدند و تحلیل‌ها بر روی دو گروه دیگر یعنی متاهلین (۵۵ درصد یا ۲۷۶۸ نفر) و گروه بی‌همسر بر اثر طلاق (۱.۶ درصد یا ۸۲ نفر) انجام شد. لازم به ذکر است درصد گروه بی همسر بر اثر فوت در سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳.۹ درصد و گروه بی همسر بر اثر طلاق ۱.۹ درصد بوده‌اند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از تبلت و مصاحبه حضوری در درب منازل در فاصله زمانی اوایل خرداد تا اوایل مرداد ۱۳۹۷ انجام شده است.

مفاهیم و متغیرهای پژوهش

یکی از حوزه‌های مورد بررسی در پیمایش ملی خانواده، رفتارها و نگرش‌های جنسی بود. پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های بخش نگرش و رفتار جنسی اجرا شده است. در جدول ۱ متغیرهای مورد استفاده معرفی شده‌اند.

^۱ two stage sampling

^۲ probability proportional to size (pps)

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟

جدول ۱. مفاهیم، ابعاد و متغیرها/گویه‌های رفتار و رضایت جنسی زوجین

مفهوم	ابعاد فرعی	متغیر یا گویه
رفتار و رضایت جنسی زوجین	میزان رابطه	معمولا هر چند وقت یکبار با همسر خود رابطه جنسی دارید؟
	رضایت جنسی	آیا در مجموع از روابط جنسی خود با همسرتان رضایت دارید؟
		دلایل عدم رضایت شما چیست؟
رضایت از همسر		به طور کلی میزان رضایت شما از همسرتان چقدر است؟
اهمیت عامل جنسی در روابط زوجین	موارد اختلاف بین زوجین	کارهای خانه، گذران وقت با هم، در مورد مسائل جنسی، معاشرت با خانواده شما، نحوه تربیت فرزندان، انجام کارهای فرزندان، حضور به موقع در منزل، خرید لوازم منزل، خرید لباس، معاشرت با خانواده همسرتان، مسائل دینی، سوء ظن نسبت به یکدیگر
	ارزیابی تاثیر نارضایتی جنسی بر طلاق و مقایسه با سایر عوامل	تفاوت سطح تحصیلات زوجین، اختلاف طبقاتی زوجین، تفاوت سنی زوجین، نارضایتی زوجین از روابط جنسی، بروز اختلاف در روابط زوجین به علت اشتغال زن، افزایش انتظارات و خواسته‌های زنان، عدم وفاداری زوجین، بیکاری همسر، رفتارهای خشونت آمیز زوجین نسبت به یکدیگر، عقیم بودن یا ناباروری زوجین، تفاوت سطح فرهنگی خانواده، معاشرتهای افراطی همسر با دوستان، دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین، اختلاف بر سر مسائل فرزندان (تربیت، نوع رفتار و ...)، تأثیر فشارهای اقتصادی بر خانواده، داشتن حمایت‌های خانوادگی بعد از طلاق، داشتن پشتوانه مالی برای گذران زندگی بعد از طلاق
	تاثیر عامل جنسی در احتمال وقوع طلاق	فکر می‌کنید چقدر احتمال دارد شما و همسرتان از هم جدا شوید؟ موضوع اختلاف چه بوده است؟
	تجربه طلاق و تاثیر عامل جنسی	آیا خودتان تجربه طلاق دارید؟ موضوع اختلاف چه بوده است؟

یافته ها

مشخصات پاسخگویان

۵۶.۴ درصد از پاسخگویان زن و ۴۳.۶ درصد مرد بوده‌اند. تفکیک پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد ۱۳.۵ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال، ۵۵.۴ درصد آنها در گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال و ۳۱.۱ درصد در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار دارند. از نظر محل

سکونت ۱۵.۹ از پاسخگویان در شهر تهران ساکن بوده‌اند، ۴۰.۹ درصد آنها در مراکز استانها و ۴۳.۲ درصد در سایر شهرهای کشور سکونت داشته‌اند.

میزان رابطه جنسی زوجین

بر اساس نتایج پژوهش در مجموع دو سوم افراد، ۱ بار در هفته یا بیشتر از ۱ بار در هفته با همسرشان رابطه جنسی دارند. ۱۵ درصد از پاسخگویان ۲ یا ۳ بار در ماه و ۱۳ درصد هم یکبار در ماه با هم رابطه جنسی دارند. ۵.۶ درصد از پاسخگویان هم اظهار داشته‌اند که با هم رابطه ندارند. این افراد به دلایل مختلفی از جمله کهولت سن یا ناتوانی جنسی و در مواردی هم بدلیل دوران عقد و عدم شروع زندگی مشترک با هم رابطه ندارند.

جدول ۲. معمولاً هر چند وقت یکبار با همسر خود رابطه جنسی دارید؟

تعداد دفعات	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هر روز	۷۷	۲.۹	۲.۹
دو یا ۳ بار در هفته	۸۷۴	۳۲.۵	۳۵.۳
یک بار در هفته	۸۲۹	۳۰.۸	۶۶.۱
دو تا سه بار در ماه	۴۱۱	۱۵.۳	۸۱.۴
یک بار در ماه	۳۴۹	۱۳	۹۴.۴
رابطه جنسی ندارم	۱۵۲	۵.۶	100
جمع	۲۶۹۲	100.0	-

رضایت از رابطه جنسی

حدود ۹۱ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که از رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت دارند و ۹ درصد هم ناراضی بوده‌اند. دلایل عدم رضایت این افراد نداشتن میل جنسی (۲۷ درصد)، بیماری (۱۳ درصد)، بی‌علاقگی به همسر (۱۲ درصد)، نداشتن آمادگی ذهنی و روانی (۱۱.۵ درصد)، تعداد کم روابط (۱۱ درصد)، نداشتن شرایط مناسب مکانی و زمانی (۶ درصد)، تعداد زیاد رابطه (۳.۶ درصد)، ترس از حاملگی (۳.۶ درصد) بوده است.

جدول ۳. دلایل عدم رضایت شما چیست؟

دلایل	تعداد	درصد
نداشتن میل جنسی	۶۹	۲۷.۷
بیماری	۳۲	۱۲.۹

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟

درصد	تعداد	دلایل
۱۲	۳۰	بی‌علاقگی به همسر
۱۱.۶	۲۹	نداشتن آمادگی ذهنی و روانی
۱۰.۸	۲۷	تعداد کم روابط جنسی
۶	۱۵	نداشتن شرایط مناسب مکانی و زمانی
۳.۶	۹	تعداد زیاد روابط جنسی
۳.۶	۹	ترس از حامله شدن
۱۱.۶	۲۹	سایر (تجربیات منفی قبلی، غسل و ...)
100.0	۲۴۹	جمع

عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه زوجین

در جدول ۴ عوامل موثر بر طلاق از نظر همه زوجین به ترتیب اهمیت آنها ارائه شده است. در فهرست عوامل ۱۷ گانه، مشاهده می‌شود که عدم وفاداری زوجین، رفتارهای خشونت‌آمیز، بیکاری همسر، فشارهای اقتصادی و دخالت خانواده‌ها عوامل مهمتری تلقی شده‌اند. پس از این عوامل، نارضایتی جنسی عامل مهم بعدی در وقوع طلاق تلقی شده است. مطابق نتایج، ۳۲ درصد از پاسخگویان تاثیر نارضایتی جنسی زوجین را در طلاق بسیار زیاد و ۴۱ درصد تاثیر آنرا زیاد ارزیابی کرده‌اند. باید توجه داشت که این نظرات صرفاً ارزیابی پاسخگویان از اهمیت و تاثیرگذاری این عوامل است و نشان‌دهنده فراوانی و میزان تاثیر واقعی این عوامل نیست.

جدول ۴. عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه پاسخگویان

عوامل	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
عدم وفاداری زوجین	۴۷.۶	۳۹.۱	۹.۲	۳	۱.۱
رفتارهای خشونت‌آمیز زوجین نسبت به یکدیگر	۳۷.۸	۴۳.۷	۱۱.۳	۵.۶	۱.۵
بیکاری همسر	۳۸.۳	۳۹	۱۳.۸	۶.۳	۲.۶
فشارهای اقتصادی	۳۸.۷	۳۷.۱	۱۵.۱	۶.۹	۲.۲
دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین	۳۳.۳	۴۳.۳	۱۵.۷	۵.۹	۱.۸
<i>نارضایتی زوجین از روابط جنسی</i>	۳۱.۹	۴۰.۸	۱۶.۸	۷.۹	۲.۷
افزایش انتظارات و خواسته‌های زنان	۲۴.۹	۴۸.۱	۱۷.۸	۶.۷	۲.۵
معاشرت‌های افراطی همسر با دوستان	۲۶.۵	۴۳.۵	۲۰	۸.۱	۱.۸
تفاوت سطح فرهنگی خانواده	۲۳.۳	۴۳.۳	۲۳	۸	۲.۵

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟

عوامل	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
اختلاف طبقاتی زوجین	۱۸.۱	۴۰	۲۳.۷	۱۲.۴	۵.۸
عقیم بودن یا ناباروری زوجین	۱۹.۲	۳۸	۲۳.۳	۱۳.۹	۵.۶
داشتن حمایت‌های خانوادگی بعد از طلاق	۱۶.۲	۳۷.۳	۲۶.۴	۱۵.۳	۴.۹
داشتن پشتوانه مالی برای گذران زندگی بعد از طلاق	۱۶.۲	۳۷.۲	۲۶.۴	۱۵.۴	۴.۹
بروز اختلاف در روابط زوجین به علت اشتغال زن	۱۰.۴	۳۴.۲	۳۰.۸	۱۸.۳	۶.۲
تفاوت سنی زوجین	۱۲.۱	۳۰.۸	۳۰.۴	۱۸.۵	۸.۱
اختلاف بر سر مسائل فرزندان	۱۰.۸	۲۵.۸	۲۹.۸	۲۲.۶	۱۱
تفاوت سطح تحصیلات زوجین	۹.۶	۲۲.۷	۲۶.۱	۲۴.۴	۱۷.۲

در جدول ۵ عوامل موثر بر طلاق در مقایسه با هم بررسی شده است. در اینجا نیز عدم وفاداری توسط ۳۰ درصد از پاسخگویان به عنوان تأثیرگذارترین عامل، سپس بیکاری همسر (۱۶ درصد)، فشارهای اقتصادی (۱۰ درصد) و نارضایتی زوجین از روابط جنسی (۹.۶ درصد) به عنوان مهمترین عوامل طلاق اعلام شده است. بنابراین تنها حدود ۱۰ درصد از زوجین نارضایتی جنسی را مهمترین عامل طلاق می‌دانند و ۹۰ درصد آنها معتقد به تأثیرگذاری عوامل دیگری بر طلاق هستند.

جدول ۵. به نظر شما مهمترین عامل تأثیرگذار بر طلاق کدام است؟

مهمترین عامل	تعداد	درصد
عدم وفاداری زوجین	۸۳۲	۳۰.۴
بیکاری همسر	۴۴۸	۱۶.۴
فشارهای اقتصادی	۲۷۴	۱۰.۰
نارضایتی زوجین از روابط جنسی	۲۶۲	۹.۶
اختلاف طبقاتی زوجین	۱۸۹	۶.۹
رفتارهای خشونت آمیز زوجین نسبت به یکدیگر	۱۶۳	۶.۰
افزایش انتظارات و خواسته‌های زنان	۱۴۱	۵.۱
دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین	۱۳۷	۵.۰
تفاوت سطح فرهنگی خانواده	۹۸	۳.۶
تفاوت سنی زوجین	۳۹	۱.۴
عقیم بودن یا ناباروری زوجین	۳۸	۱.۴
تفاوت سطح تحصیلات زوجین	۳۵	۱.۳
معاشرتهای افراطی همسر با دوستان	۲۹	۱.۱

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟

درصد	تعداد	مهمترین عامل
۰.۸	۲۳	داشتن حمایت‌های خانوادگی بعد از طلاق
۰.۶	۱۶	داشتن پشتوانه مالی برای گذران زندگی بعد از طلاق
۰.۵	۱۳	بروز اختلاف در روابط زوجین به علت اشتغال زن
۰.۰	۱	اختلاف بر سر مسائل فرزندان (تربیت، نوع رفتار و...)
۱۰۰.۰	۲۷۳۸	جمع

موارد اختلاف بین زوجین

مطابق جدول ۶ که موارد اختلاف بین زوجین در آن ارائه شده (به ترتیب از بیشترین موارد اختلاف به کمترین)، بیشترین اختلاف بین همسران مربوط به گذران وقت با هم، نحوه تربیت فرزندان و حضور به موقع در منزل بوده است. طبق این یافته‌ها حدود ۴ درصد از پاسخگویان اختلافات ناشی از مسائل جنسی را در حد بسیار زیاد و ۱۱ درصد در حد زیاد اعلام کرده‌اند. در مقابل ۶۷ درصد از پاسخگویان یا اختلاف و تعارضی در خصوص مسائل جنسی نداشته یا به میزان کمی اختلاف داشته‌اند.

جدول ۶. چقدر شما و همسرتان با هم در خصوص این موارد اختلاف نظر دارید؟

موارد	اصلاً کم	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
گذران وقت با هم	۳۵.۶	۱۱.۸	۱۲.۲	۱۸.۴	۱۴.۴	۷.۶
نحوه تربیت فرزندان	۳۸.۷	۱۰.۲	۱۱.۱	۱۶.۸	۱۶.۳	۶.۹
حضور به موقع در منزل	۳۸.۶	۱۱.۷	۱۱.۸	۱۵.۳	۱۵.۷	۶.۹
معاشرت با خانواده شما	۴۲.۰	۱۰.۴	۱۳.۲	۱۵.۸	۱۳.۶	۵.۰
در مورد مسائل جنسی	۴۳.۰	۱۰.۳	۱۳.۶	۱۸.۲	۱۰.۷	۴.۲
خرید لوازم منزل	۴۴.۰	۱۰.۷	۱۲.۵	۱۶.۰	۱۲.۰	۴.۷
معاشرت با خانواده همسران	۴۴.۹	۹.۶	۱۳.۰	۱۵.۶	۱۲.۳	۴.۵
مسائل دینی (نحوه پوشش، انجام فرائض دینی و ...)	۴۹.۵	۹.۳	۸.۷	۱۳.۱	۱۲.۵	۶.۸
خرید لباس	۴۵.۷	۱۰.۶	۱۳.۱	۱۵.۵	۱۱.۲	۳.۸
شغل (نوع، ساعت و ...)	۵۱.۰	۹.۰	۱۰.۰	۱۴.۱	۱۱.۷	۴.۱
سوء ظن نسبت به یکدیگر	۶۸.۷	۱۰.۴	۹.۰	۶.۰	۳.۷	۲.۱

احتمال جدایی از همسر و دلایل آن

۱۰ درصد از پاسخگویان در پاسخ به این سوال که «در طول سال گذشته، آیا شما و همسرتان در خصوص جدایی صحبت کرده‌اید؟» پاسخ مثبت داده‌اند. مهمترین موضوعات اختلافی این افراد به ترتیب شامل مسائل مالی (۲۹ درصد)، دخالت خانواده‌ها (۲۳ درصد)، بی‌توجهی (۱۷ درصد)، خشونت (۷.۶ درصد)، اعتیاد (۵.۳ درصد)، عدم وفاداری (۴.۹ درصد)، نداشتن علاقه (۴.۲ درصد) و مسائل جنسی (۳ درصد) بوده است.

جدول ۷. موضوع اختلاف چه بوده است؟ (تعداد ۲۶۳)

موضوعات	تعداد	درصد
مالی	۷۷	۲۹.۳
دخالت خانواده‌ها	۶۱	۲۳.۲
بی‌توجهی	۴۵	۱۷.۱
خشونت	۲۰	۷.۶
اعتیاد	۱۴	۵.۳
عدم وفاداری	۱۳	۴.۹
نداشتن علاقه	۱۱	۴.۲
مسائل جنسی	۸	۳
سایر	۱۴	۵.۳
جمع	۲۶۳	۱۰۰

تجربه طلاق و عوامل آن

تنها ۵ درصد از پاسخگویان بطور مشخص تجربه طلاق داشتند. از این افراد علت طلاق و موضوع مورد اختلاف آنها با همسران سابق‌شان سوال شد. مهمترین موضوع اختلاف با ۲۰ درصد اعتیاد و پس از آن دخالت خانواده‌ها با ۱۷ درصد بوده است. ۱۵ درصد پاسخگویان به نداشتن علاقه، ۱۳ درصد به عدم وفاداری، ۶.۷ درصد به مسائل مالی، ۶ درصد به بی‌توجهی، ۶ درصد سوءظن، ۴ درصد خشونت و در نهایت ۱.۳ درصد به مسائل جنسی اشاره کرده‌اند.

جدول ۸. عوامل طلاق در بین افراد دارای تجربه طلاق (تعداد ۱۴۹)

موضوع اختلاف	درصد
اعتیاد	۲۰.۱
دخالت خانواده‌ها	۱۷.۴
نداشتن علاقه	۱۴.۸
عدم وفاداری	۱۲.۸
مالی	۶.۷
بی‌توجهی	۶
سوءظن	۶
خشونت	۴
مسائل جنسی میان زن و شوهر	۱.۳
سایر	۱۰.۷
جمع	۱۰۰.۰

تاثیر میزان رابطه جنسی بر رضایت جنسی

یافته‌های پژوهش نشان داد حدود ۹۵ تا ۹۷ درصد از پاسخگویانی که هر روز یا ۲ تا ۳ بار در هفته یا ۱ بار در هفته با همسر خود رابطه جنسی دارند از روابط جنسی خود رضایت داشته‌اند و ۵ درصد آنها ناراضی بوده‌اند. رضایت جنسی در گروه ۲ یا ۳ بار در ماه به ۹۰ درصد، در گروه ۱ بار در ماه به ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است. نکته قابل توجه اینکه در گروهی که کمترین میزان رابطه جنسی را دارند میزان رضایت جنسی در حدود ۸۰ درصد باقی مانده است. آزمون آماری وی کرامر حاکی از رابطه معنی‌دار بین دو متغیر مورد بررسی است اما شدت رابطه (۰.۲۱۳) در حد ضعیفی است.

جدول ۹. رابطه تعداد دفعات رابطه جنسی با رضایت جنسی (تعداد ۲۵۱۹)

جمع	تعداد دفعات رابطه جنسی					دفعات رضایت
	هر روز	دو یا ۳ بار در هفته	یک بار در هفته	دو تا سه بار در ماه	یک بار در ماه	
دارد	۹۴.۷	۹۵	۹۶.۶	۹۰.۴	۷۹.۸	۹۲.۷
ندارد	۵.۳	۵	۳.۴	۹.۶	۲۰.۲	۷.۳

وی کرامر = ۰.۲۱۳ / سطح معنی داری = ۰.۰۰۰

تاثیر رضایت جنسی از همسر بر رضایت از همسر

مطابق با نتایج جدول ۱۰، نسبت افرادی که رضایت زیادی از همسر خود داشته‌اند در گروه دارای رضایت جنسی ۸۵ درصد و در گروه فاقد رضایت جنسی ۵۱ درصد بوده است. در مقابل نسبت افرادی که رضایت پایینی از همسران خود داشته‌اند در گروه دارای رضایت جنسی ۳ درصد و در گروه فاقد رضایت جنسی ۲۰ درصد بوده است. مقدار ضریب وی کرامر نیز نشان از یک رابطه معنی دار و با شدت متوسط بین دو متغیر دارد.

جدول ۱۰. رابطه میزان رضایت جنسی و رضایت از همسر (تعداد ۲۶۹۲)

جمع	رضایت جنسی		میزان رضایت از همسر
	ندارد	دارد	
۸۲.۱	۵۰.۸	۸۵.۳	زیاد
۱۳.۷	۲۹.۴	۱۲.۱	متوسط
۴.۲	۱۹.۸	۲.۶	کم

وی کرامر = ۰.۳۰ / سطح معنی داری = ۰.۰۰۰ /

رضایت از رابطه جنسی و احتمال جدایی از همسر

یافته‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد ۱.۳ درصد از پاسخگویانی که از همسر خود رضایت جنسی داشته‌اند، احتمال جدایی از همسر را زیاد اعلام کرده‌اند. اما این درصد در گروهی که رضایت جنسی نداشته‌اند به ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده است. این درصدها در رده بعد که احتمال جدایی «تا حدی» ارزیابی شده، در گروه دارای رضایت جنسی ۳ درصد و در گروه ناراضی ۱۰ درصد بوده است. درصد رضایت جنسی در گروهی که اصلاً احتمال جدایی (اصلاً) نداده‌اند ۷۸ درصد و درصد عدم رضایت ۵۵ درصد است. نتایج در عین حال که نشان می‌دهد احتمال جدایی در گروهی که نارضایتی جنسی دارند به مراتب بیش از گروهی است که رضایت جنسی دارند، اما همچنین نشان می‌دهد که ۵۵ درصد افرادی که نارضایتی جنسی دارند اصلاً احتمال جدایی نداده‌اند و حدود ۲۵ درصد آنها این احتمال را کم یا بسیار کم ارزیابی کرده‌اند (جمعاً ۸۰ درصد). تنها ۱۰ درصد افرادی که نارضایتی جنسی داشته‌اند احتمال جدایی از همسرشان را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

نارضایتی جنسی و طلاق: واقعیت یا برساخت؟

جدول ۱۱. رضایت از رابطه جنسی با همسر و احتمال جدایی

جمع	رضایت جنسی		احتمال جدایی
	ندارد	دارد	
۲.۱	۱۰.۱	۱.۳	زیاد
۳.۵	۱۰.۱	۲.۸	تا حدی
۴.۹	۸.۵	۴.۶	کم
۱۳.۵	۱۶.۶	۱۳.۱	خیلی کم
۷۶	۵۴.۷	۷۸.۲	اصلاً

وی کرامر = ۰.۲۳ / سطح معنی داری = ۰.۰۰۰

در جدول ۱۲ رابطه تعداد دفعات رابطه جنسی با احتمال جدایی بررسی شده است. همانطور که مشاهده می‌شود حدود ۷ درصد از افرادی که فاقد رابطه جنسی هستند احتمال جدایی خود از همسر را زیاد اعلام کرده‌اند. این درصد در گروه دارای یکبار رابطه در ماه ۳.۴ درصد و در گروه دارای دو تا سه بار رابطه در ماه نیم درصد و نهایتاً در گروه دارای یکبار رابطه در هفته و بیشتر به حدود ۲ درصد رسیده است. حدود ۷۵٪ از همه گروه‌های مورد بررسی (با اندکی افزایش یا کاهش) احتمال جدایی از همسرشان را کاملاً منتفی دانسته‌اند. در مجموع داده‌های جدول و همینطور نتایج ضریب آماری کندال بیانگر آن است که بین تعداد دفعات رابطه جنسی و احتمال جدایی از همسر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۱۲. تعداد رابطه جنسی با همسر و احتمال جدایی (تعداد ۲۶۸۲)

جمع	تعداد رابطه				احتمال جدایی
	یکبار در هفته و بیشتر	دو تا سه بار در ماه	یکبار در ماه	بدون رابطه	
۲.۱	۱.۸	.۵	۳.۴	۷.۳	زیاد
۳.۵	۳.۴	۲.۴	۴.۳	۶	تا حدی
۵.۱	۵.۸	۴.۴	۳.۴	۲	کم
۱۳.۶	۱۴.۳	۱۳.۲	۱۲.۴	۹.۳	خیلی کم
۷۵.۷	۷۴.۷	۷۹.۵	۷۶.۴	۷۵.۳	اصلاً

تای سی کندال = ۰.۲۱۳ / سطح معنی داری = ۰.۲۹۷

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش برآورد میزان نارضایتی جنسی و نقش و تاثیر آن در زندگی زوجین و در احتمال وقوع طلاق است. مرور پژوهش‌های پیشین نشان داد برآوردهای میزان نارضایتی جنسی بسیار متفاوت است؛ در برخی از پژوهش‌ها برآورد میزان نارضایتی جنسی بسیار بالا، گاهی تا ۷۰ تا ۸۰ درصد (فروتن و جدید میلانی، ۱۳۸۷؛ مهاجری، ۱۳۹۶؛ سیدی و همکاران، ۲۰۰۷) و در برخی دیگر از پژوهش‌ها بسیار پایین است (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پژوهش سلطانی و همکاران، ۲۰۱۷؛ توکل و همکاران، ۱۳۹۰؛ لومان و همکاران، ۲۰۰۵). مقایسه این یافته‌ها و بررسی جامعه آماری آنها نشان می‌دهد نارضایتی جنسی در پژوهش‌هایی که در بین افراد متقاضی طلاق یا در بین مراجعه‌کنندگان به کلینک‌ها و مراکز مشاوره انجام شده بالاتر از سایر پژوهش‌ها بوده، اما در پژوهش‌هایی که در بین مردم عادی یا در طرح‌هایی با نمونه‌های بزرگ اجرا شده به مراتب پایین‌تر بوده است. بنظر می‌رسد در شرایطی مانند شرایط طلاق، اساساً بررسی رضایت جنسی چندان موضوعیت نداشته باشد و این سوال قابل طرح است که آیا عدم رضایت جنسی علت درخواست طلاق است یا پیامد آن!

نتایج پژوهش حاضر به عنوان یک پژوهش ملی، شیوع بالای نارضایتی جنسی در بین زوجین را تایید نمی‌کند. بر طبق این نتایج ۹۱ درصد از زوجین از روابط جنسی خود رضایت داشته و تنها ۹ درصد آنها ناراضی بوده‌اند.

موضوع بعدی، تاثیر نارضایتی جنسی بر طلاق است. همانطور که دیده شد در برخی از برآوردها ۵۰ تا ۸۰ درصد طلاق‌ها به نارضایتی جنسی نسبت داده شده است (غدیری و فروتن، ۱۳۸۷؛ ۵۸۹؛ باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴؛ سیاری، ۱۳۹۴؛ تهرانی، ۱۳۸۹؛ اسلامی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر تاثیرات نارضایتی جنسی بر گرایش به طلاق از چند زاویه و به طرق مختلف بررسی شد:

نخست، ارزیابی همه پاسخگویان از عوامل مؤثر بر طلاق نشان داد نارضایتی زوجین از روابط جنسی، پس از عدم وفاداری زوجین، رفتارهای خشونت‌آمیز زوجین، بیکاری همسر، فشارهای اقتصادی و دخالت‌های خانواده، ششمین عامل تاثیرگذار ارزیابی شده است. بررسی اهمیت این عوامل (۱۷ عامل) در مقایسه با هم نشان داد تنها ۹.۶ درصد از پاسخگویان نارضایتی جنسی را به عنوان مهمترین عامل طلاق تلقی کرده‌اند (پس از عدم وفاداری (۳۰ درصد)، بیکاری همسر (۱۶ درصد) و فشارهای اقتصادی (۱۰ درصد)). البته این درصدها صرفاً نظرات و ارزیابی پاسخگویان از

اهمیت و شدت تاثیرگذاری این عوامل را در وقوع طلاق نشان می‌دهد، نه تاثیرگذاری واقعی آنها را.

دوم، بررسی موارد/اختلاف بین زوجین (۱۱ مورد) نشان داد بیشترین اختلاف بین همسران مربوط به گذران وقت با هم، نحوه تربیت فرزندان، حضور به موقع در منزل، معاشرت و رفت و آمد با خانواده پاسخگو و در مرتبه بعد موضوعات و مسائل جنسی بوده است. حدود ۴ درصد از پاسخگویان اختلافات ناشی از مسائل جنسی را در حد بسیار زیاد و ۱۱ درصد در حد زیاد اعلام کرده‌اند.

سوم، پاسخگویانی که زندگی مشترک آنها دچار بی‌ثباتی شده و در طول سال گذشته با همسر خود در خصوص جدایی صحبت کرده‌اند، مهمترین موضوعات اختلافی خود را به ترتیب شامل مسائل مالی (۲۹ درصد)، دخالت خانواده‌ها (۲۳ درصد)، بی‌توجهی (۱۷ درصد)، خشونت (۷.۶ درصد)، اعتیاد (۵.۳ درصد)، عدم وفاداری (۴.۹ درصد)، نداشتن علاقه (۴.۲ درصد) و مسائل جنسی (۳ درصد) اعلام کردند.

چهارم، بررسی عوامل طلاق در بین افراد دارای تجربه طلاق نشان داد مهمترین علل طلاق این افراد با ۲۰ درصد اعتیاد و پس از آن دخالت خانواده‌ها با ۱۷ درصد بوده است. ۱۵ درصد پاسخگویان به نداشتن علاقه، ۱۳ درصد به عدم وفاداری، ۶.۷ درصد به مسائل مالی، ۶ درصد به بی‌توجهی، ۶ درصد سوءظن، ۴ درصد خشونت و در نهایت تنها ۱.۳ درصد به مسائل جنسی اشاره کرده‌اند.

در مجموع هم در ایران و هم در سایر کشورها (هاوکینز و همکاران، ۲۰۱۲؛ اسکات و همکاران، ۲۰۱۳)، دلایل متعددی از سوی افراد دارای تجربه طلاق برای طلاق ذکر شده که یکی از نکات مشترک آنها کم‌اهمیت بودن مشکلات جنسی در مقایسه با سایر عوامل بوده است. طلاق پدیده‌ای پیچیده و چندعلتی است که هم تابع شرایط فردی و هم تابع شرایط کلان اجتماعی و فرهنگی است. به همین دلیل است که نرخ طلاق در طول زمان در یک جامعه یا در یک زمان در جوامع مختلف متفاوت است؛ حال آنکه گزینه جنسی به اعتبار وجه زیست‌شناختی آن در نوع بشر ثابت است. بنابراین بطور منطقی این تغییرات را نمی‌توان با امر ثابت تبیین کرد.

همانطور که در چارچوب نظری اشاره شد سه تبیین و تحلیل متفاوت در خصوص رابطه رضایت جنسی و طلاق وجود دارد. در تبیین اول (تبیین زیستی - روانشناختی) بر تاثیر علی رابطه جنسی و رضایت جنسی بر تحکیم روابط زناشویی و جلوگیری از جدایی و طلاق تاکید می‌شود. یافته‌ها

نشان داد تنها ۹ درصد از زوجین از روابط جنسی خود ناراضی هستند و اساساً بین تعداد رابطه جنسی و احتمال جدایی و طلاق رابطه معنی‌داری وجود ندارد. رابطه رضایت جنسی با احتمال جدایی و طلاق معنی‌دار اما شدت آن در حد ضعیفی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد هر چند احتمال جدایی و طلاق در بین گروهی که از رابطه جنسی خود با همسرشان ناراضی هستند (۹ درصد) بالاتر از گروهی است که از این رابطه رضایت دارند (۹۱ درصد)؛ اما تنها ۱۰ درصد از افراد ناراضی، احتمال طلاق و جدایی را زیاد ارزیابی کرده‌اند و دلایل آنها برای جدایی نه نارضایتی جنسی بلکه عموماً مواردی نظیر مشکلات مالی، دخالت خانواده‌ها، بی‌توجهی، عدم وفاداری، نداشتن علاقه، و اعتیاد بوده است. بنابراین یافته‌های این پژوهش تبیین زیستی-روانشناختی را تایید نمی‌کند و مؤید تبیین دوم مبنی بر کاذب بودن رابطه رضایت جنسی و طلاق است.

تنها نکته قابل توجه در خصوص تاثیر رضایت جنسی بر طلاق این است که ۳ درصد از افرادی که اظهار داشته‌اند در طی سال گذشته با همسرشان در خصوص جدایی صحبت کرده‌اند (هر چند این گروه احتمال جدایی را زیاد ندانسته‌اند) و ۱.۳ درصد از افرادی که مشخصاً تجربه طلاق داشته‌اند، مسئله و مشکل خود را جنسی ذکر کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت نارضایتی جنسی فقط برای همین افراد که درصد بسیار پایینی هستند، عامل واقعی طلاق باشد و برای درصد بیشتری از افراد صرفاً یک هم‌ایندی با عوامل واقعی طلاق است. بدین معنی که در شرایطی که رابطه یک زوج به هر دلیلی (اعتیاد، دخالت خانواده‌ها، خشونت، خیانت و ...) دچار مشکل شود این مشکل به طور طبیعی روابط جنسی را هم دچار مشکل می‌کند. در نتیجه در بیشتر موارد، همراه با هر مشکل و علت واقعی طلاق، نارضایتی جنسی هم وجود دارد. این هم‌ایندی منجر به ایجاد یک رابطه کاذب و تحلیل و تبیین اشتباه پزشکان و روانشناسان در تاکید بر نارضایتی جنسی به عنوان عامل اصلی طلاق شده است. از این نظر یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پروین و همکاران (۱۳۹۱)، قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۲)، مشفق (۱۳۹۵)، لیتزینگر و گوردون (۲۰۰۵)، یه و همکاران (۲۰۰۶)، هاوکینز و همکاران (۲۰۱۲)، اسکات و همکاران (۲۰۱۳) مشابه است.

نتایج پژوهش هاوکینز و همکاران (۲۰۱۲) و اسکات و همکاران (۲۰۱۳) در بین افراد دارای تجربه طلاق و در فضای جامعه ایالات متحد دارای اهمیت فراوان است. چرا که در برخی از پژوهش‌های داخلی (فروتن و جدیدمیلانی، ۱۳۸۷) گفته شده افراد متقاضی طلاق به دلیل حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی به عنوان علت طلاق خودداری می‌کنند. بنظر می‌رسد این توجیه

در جامعه و فرهنگ آمریکا صادق نباشد. اینکه این متغیر در این جامعه تاثیر قابل توجهی بر طلاق ندارد قابل توجه است.

نتایج این پژوهش چندعلتی بودن طلاق و اجتماعی فرهنگی بودن امر جنسی را تایید می کند؛ نتایج نشان داد طلاق همان طور که نظریه مبادله اشاره دارد متاثر از عوامل مختلف و متعددی است. بررسی پژوهش های قبلی نیز بخوبی نشان داد زندگی جنسی یک امر اجتماعی و فرهنگی است تا زیستی و غریزی. مطالعات انسان شناختی کارل هایدر در خصوص زندگی جنسی قبیله دنی در گینه نو (ممنوعیت رابطه جنسی با همسر به مدت چهار تا شش سال پس از زایمان) و همچنین مقایسه آن با سبک زندگی جنسی در آراندا (با تعداد زیاد رابطه جنسی) در استرالیا (گلیز و لوین، ۱۹۹۵: ۸۱) یا زوج های بدون رابطه جنسی در ژاپن کنونی (پچر، ۲۰۲۲) آشکارا نشان می دهد سبک زندگی جنسی امری فرهنگی اجتماعی است. افراد طی فرایند اجتماعی شدن، این امر زیستی، و ظاهراً ثابت و از قبل تعیین شده را مطابق با ارزش ها و هنجارهای جامعه یاد می گیرند و در این چارچوب تنظیم و مدیریت می کنند. بنابراین اگر چه همه این جوامع با واقعیت زیستی یکسانی بنام غریزه جنسی روبرو هستند اما همچنانکه نظریه کنش متقابل نمادی ادعا دارد تفسیر و تعریف آنها از این واقعیت یکسان، متفاوت است و نهایتاً آنچه تعیین کننده است نه آن واقعیت یکسان بلکه تفاسیر فرهنگی و اجتماعی متفاوت است.

نتایج این پژوهش آشکارا برساخت مساله جنسی توسط پزشکان و روانشناسان را با چالش مواجه می کند. در فضای علمی و اجتماعی جامعه ایران، پزشکان و روانشناسان از گروه های قدرتمند و موثر در تعریف و برساخت مسائل اجتماعی و پزشکی کردن و روانشناسی کردن این مسائل هستند (وادحیر و همکاران، ۱۳۹۴؛ صدیقیان و مهمدی، ۱۳۹۷؛ حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ کنراد، ۱۴۰۰؛ سعیدی نژاد، ۱۴۰۰؛ اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ امری که با منافع آنها پیوند دارد.

نتیجه تبیین طلاق با امر جنسی (که زیست شناختی و روانشناختی بودن آن در بین عموم مردم پذیرش بیشتری دارد و کمتر مورد تردید قرار می گیرد)، پزشکی و روانشناختی کردن مسئله طلاق و ارائه تبیین های ناقص و نادرست با حذف زمینه ها و عوامل اجتماعی و اقتصادی آن است. نتیجه عملی این فرایند نیز، دامن زدن به نگرانی در باب مسئله جنسی و برجسته کردن آن در بین زوجین و بخصوص جوانان و گسترش بازار مشاوره های پزشکی، روانشناسی و ... و انواع و اقسام جراحی ها، فروش انواع داروهای سنتی و صنعتی، و فروش انواع محصولات جنسی است.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی و سعیدی نژاد، یاسمن (۱۴۰۰). «پزشکی‌شدن جرم و انحراف؛ درآمدی بر تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد بالینی به مسئله بزه‌کاری»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۴(۹۳): ۳۵-۶۰.
- اسماعیلی، حمیده؛ شریفی، سعید؛ کاردوانی، راحله و لیبی، محمد مهدی. (۱۴۰۱). «واکاوی پدیدارشناسانه تجربه زیسته پزشکی‌شدگی از طریق جراحی زیبایی در زنان کلانشهر تهران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۳(۱): ۱-۲۵.
- اسلامی، محمد (۱۳۹۴). مشکلات جنسی عامل ۲۰ تا ۷۰ درصد طلاق‌ها در ایران، دویچه وله: <https://p.dw.com/p/1GPKQ>
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱). «هم‌خانگی؛ پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال سوم، ۳(۱): ۷۷-۴۳.
- آزادارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۲(۲): ۱-۳۴.
- آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۸: ۴۶۲-۴۳۵.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۳): ۱-۲۰.
- پروین، ستار؛ داودی، مریم و محمدی، فریبرز (۱۳۹۱). «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۶): ۱۵۳-۱۱۹.
- تهرانی، نسرين (۱۳۸۹). ۷۸ درصد طلاق‌ها برای مسائل جنسی، پایگاه اطلاع‌رسانی تابناک: (<https://www.tabnak.ir/fa/print/151978>)
- توکل، زینب؛ میرمولایی، سیده طاهره؛ مومنی موحد، زهره و منصوری، آسیه (۱۳۹۰). «بررسی ارتباط عملکرد جنسی با رضایت جنسی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی جنوب شهر تهران»، *مجله مراقبت پرستاری و مامایی ابن‌سینا*، ۱۹(۲): ۵۰-۶۰.
- حقیقتیان منصور؛ ودادهیر، ابوعلی و قادری، سلمان (۱۳۹۸). «پای پزشکان در کفش جامعه‌شناسان؛ نقدی بر پزشکی‌شدن اعتیاد در ایران»، *فصلنامه علمی/اعتیادپژوهی*، ۱۳(۵۲): ۹-۲۴.
- خلج آبادی فراهانی، فریده (۱۳۹۵). «فرا تحلیل روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان در ۱۵ سال گذشته (۱۳۸۰-۱۳۹۴) در ایران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دوازدهم، شماره ۴۷: ۳۳۹-۳۶۷.
- رحمانی، اعظم؛ مراقاتی خویی، عفت السادات؛ صادقی، نرجس و اله قلی، لیلا (۱۳۹۰). «ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی»، *نشریه پرستاری ایران*، دوره ۲۴، شماره ۷۰: ۸۲-۹۰.
- سیاری، علی اکبر (۱۳۹۴). ۶۳ درصد زوجین از روابط جنسی‌شان رضایت ندارند، روزنامه شهروند:

- http://shahrvand-newspaper.ir/News/Main/52343
- سایت باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۴). مشکلات جنسی عامل ۸۰ درصد از طلاق ها، www.yjc.ir/fa/print/5517461
- صدیقیان بیدگلی؛ آمنه و مهمدی، ارمغان (۱۳۹۷). «رفتارهای پرخطر دانشجویان و تأملی بر پزشکی شدن آن»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۷(۳): ۹۵-۱۲۱.
- غدیری، ماهرو و فروتن، سیدکاظم (۱۳۸۷). «اختلالات جنسی، عامل پنهان طلاق: ضرورت حضور پزشک آموزش دیده در ترکیب کارشناسان مراکز مشاوره خانواده»، *فصلنامه خانواده پژوهی*، سال چهارم، شماره ۴.۱: ۶۰۸-۵۸۵.
- فروتن، سیدکاظم و جدیدمیلانی، مریم (۱۳۸۷). «بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه کننده به مجتمع قضایی خانواده»، *دانشور پزشکی*، ۱۶ (۴): ۳۹-۴۴.
- فیضی، ایرج و ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۷). پیمایش ملی خانواده، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد البرز.
- قاسمی، علیرضا و ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). «عوامل مرتبط با طلاق در زوجین متقاضی طلاق توافقی شهرستان کرمانشاه»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران*. دوره دهم، شماره ۴: ۸۷-۶۹.
- کنراد، پیتر (۱۴۰۰). پزشکی شدن جامعه، مترجم: ثمین سادات بصیر، ناشر: نشریار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۳). ازدواج موقت و تاثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی، شماره مسلسل: ۱۳۷۱۵.
- مشفق، محمود (۱۳۹۵). «سنجش اندازه اثر تعیین کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام شده طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۴»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۹): ۴۱-۱.
- مهاجری، اصغر (۱۳۹۶). ۸۵ درصد خانواده‌ها گرفتار طلاق پنهان، خبرگزاری مجلس شورای اسلامی: <https://www.icana.ir/Fa/News-Print/353071>
- نوربخش، محسن (۱۳۹۶، ۷ خرداد). نابسامانی اخلاق جنسی؛ بررسی آسیبهای اجتماعی، پایگاه خبری الف، <http://old.alef.ir/vdcgt39ttak9ut4.rpra.html?476444>
- ودادهیر، ابوعلی؛ ذلولی، حسین؛ بنی فاطمه، حسین و نبیلی، فریده (۱۳۹۴). «داغ ننگ‌سازی و پزشکی شدن مسائل روانی: مطالعه‌ای برساخت‌گرایانه درباره مسئله افسردگی در شهر تبریز»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۱): ۲۷-۵۰.

- Gelles, R. J., & Levine, A. (1995). *Sociology: An Introduction*. McGraw-Hill Humanities, Social Sciences & World Languages.
- Hawkins, A. J., Willoughby, B. J., & Doherty, W. J. (2012). "Reasons for Divorce and Openness to Marital Reconciliation". *Journal of Divorce and Remarriage*, 53(6) 453-463.
- Laumann, E. O., Nicolosi, A., Glasser, D. B., Paik, A., Gingell, C., Moreira, E., Wang, T., & GSSAB Investigators' Group (2005). "Sexual problems among women and men aged 40-80

- y: prevalence and correlates identified in the Global Study of Sexual Attitudes and Behaviors". *International journal of impotence research*, 17(1): 39–57.
- Litzinger, S., & Gordon, K.C. (2005). "Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction". *Journal of sex & marital therapy*, 31 5: 409-24.
- Pacher, A. (2022). *Sex in Japan: A Sociology of Sexlessness in Intimate Relationships*. Springer.
- Scott, S. B., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Allen, E. S., & Markman, H. J. (2013). "Reasons for Divorce and Recollections of Premarital Intervention: Implications for Improving Relationship Education". *Couple & family psychology*, 2(2): 131–145.
- Sidi, H., Puteh, S. E., Abdullah, N., Midin, M., & Basuki, B. (2007). "The prevalence of female sexual dissatisfaction and the dominant risk factors that may impair sexual satisfaction in Malaysian women". *Medical Journal of Indonesia*, 16(3): 187-94.
- Soltani, F., Azizi, R., Sourinegad, H., Shayan, A., Mohammadi, Y., & Khodakarami, B. (2017). "Sexual knowledge and attitude as predictors of female sexual satisfaction". *Biomedical Research and Therapy*, 4(12) :1874-1884.
- Yabiku, S.T. and Gager, C.T. (2009), "Sexual Frequency and the Stability of Marital and Cohabiting Unions". *Journal of Marriage and Family*, 71: 983-1000.
- Yeh, H. C., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A., Conger, R. D., & Elder, G. H., Jr (2006). "Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife". *Journal of family psychology*, 20(2): 339–343.